

چگونه به اطرافیان ثابت
کنم که دیگر بچه نیستم؟

لادنما



مثل مادری که کودکش تازه راه افتاده است، ولی هنوز نگران اوست. وقتی کودک کمی تندتر راه می‌رود مادرش هم نگران‌تر می‌شود. او هنوز نتوانسته به راه رفتن کودک کامل اعتماد کند. دلیل این نگرانی بی‌عرضه بودن بچه نیست، بلکه به‌خاطر علاقه و روحیه مراقبت‌گری مادرش است.



فراموش نکنیم که بخشی از حمایت‌ها و نگرانی‌ها کاملاً ضروری و واقعی هستند. به هر حال، چه آن کودک که تازه راه افتاده و چه نوجوانی که تازه وارد دنیای بزرگ‌ترها شده از بسیاری مخاطرات بی‌خبرند. انتقال شما از کودکی به بزرگسالی ناگهانی رخ نمی‌دهد؛ پس، به والدینتان فرصت بدهید تا آرام‌آرام این تغییر برایشان ثابت شود.





یادتان باشد همان طور که نوجوان از کودکی
به بزرگسالی منتقل می شود، والدین او
هم دارند از والدین یک کودک به فضای
والدین یک نوجوان وارد می شوند.



اما بعضی راه‌های ساده نیز وجود دارد که به‌خوبی دیگران را متوجه بزرگ‌شدنِ شما می‌کند. اولین راه برای آنکه دیگران متوجه بشوند که می‌توانند روی شما حساب کنند این است که مسئولیت‌پذیر باشید؛ یعنی برای پذیرش مسئولیت‌ها خودتان داوطلب بشوید.



نمی‌توانیم بگوییم که ما همان آدم قبلی
هستیم، ولی دیگران از همین امروز و یک
دفعه روی ما حساب کنند و ما را جدی
بگیرند. بالاخره یک سری نشانه‌هایی در رفتار
و شخصیت ما باید دیده بشود. تغییرات
جسمی مثل بلند شدن قد و دورگه شدن صدا
و سبیل درآوردن که کفایت نمی‌کند. باید از
روش و منش کودکان فاصله گرفت.



یک راه دیگر این است که به دنبال رشد ذهنی و پرورش توانمندی‌های جسمی و ذهنی خودتان باشید؛ مثلاً، ورزش کنید تا بدن قوی‌تری داشته باشید، کتاب‌های مناسب سن رده نوجوان بخوانید، اخبار گوش بدهید، بیشتر مطالعه کنید، در کلاس و دوره‌هایی که آگاهی شما را از دوره نوجوانی افزایش می‌دهد شرکت کنید. اگر شما این راه‌ها را امتحان کنید، توانایی‌هایتان خود به خود نزد دیگران اثبات می‌شود.



هر آدمی از اینکه دیگران او را به حساب نیاورند، احساس بدی پیدا می‌کند خصوصا اگر آن آدم‌ها، آدم‌های مهم زندگی ما باشند؛ اما اگر مسیری که در پیش گرفته‌اید درست است و موارد قبلی که گفتیم را رعایت کرده و برایش برنامه ریختید، دیگر اجازه ندهید که میزان انگیزه شما و حس و حال خوبی که از رشد خودتان دارید به اظهارِ نظرهای دیگران گره بخورد.